

سیاست باز نمایی؛ تحلیل گفتمان تحریف دفاع مقدس در مستندهای شبکه‌های فارسی زبان خارجی

● امیرحسین تمنایی^۱، حسین ساری^۲

چکیده

هشت سال جنگ تحمیلی که از آن با عنوان «دفاع مقدس» یاد می‌شود یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران است که در پی ایستادگی و مقاومت ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) تمامیت ارضی ایران حفظ و تبدیل به منبعی برای انسجام و هویت‌یابی ملی شد. طی دهه گذشته هم‌زمان با جریان تحریم و نیز رشد روزافزون رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی (ماهواره‌ای و اینترنتی) شاهد تولید مستندهای متنوع درباره وقایع و رویدادهای تاریخی پس از انقلاب اسلامی ایران از جمله دوران پرافتخار ۸ سال جنگ تحمیلی هستیم. اینکه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان درباره جنگ تحمیلی ایران و عراق، چه گفتمانی را برای «ساخت واقعیت» و «کنترل اذهان مخاطبان» می‌سازند، سؤال اصلی این مقاله است. برای پاسخ به این سؤال ۱۰ مستند «کودتای خرنده در سپاه، داستان دو سرباز، ماشین روز قیامت، جام زهر، اولین خاکریز، ایران کنتر، فاو، کربلای ۵، جنگ برای ارونند ۱ و ۲» که در شبکه‌های فارسی زبان تولید و پخش شده است، با هدف «شناخت گفتمان تحریف و مؤلفه‌های آن»، با روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، مطالعه شده است. بر اساس یافته‌ها «برجسته‌کردن شکست‌ها»، «پنهان‌کاری»، «نالایق بودن مسئولان جنگی»، «سواستفاده از احساسات مردم»، «تقدس‌زدایی از جنگ» «تدبیر و خدمات محمدرضا پهلوی» برای تثبیت مرزها، مدیریت تنش با عراق و کشورهای منطقه و تقویت بنیه نظامی، «غرب خوب»، «پرداختن به آسیب‌های جنگ» و «دیپلماسی در برابر جنگ‌طلبی» دال‌های اصلی گفتمان مستندهای شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی درباره جنگ تحمیلی است که حول دال مرکزی «ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی» مفصل‌بندی شده است.

واژگان کلیدی

تحلیل گفتمان، تحریف، مستند، شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی، سیاست بازنمایی.

مقدمه

مستندهای تاریخی به دلیل تلفیق «عناصر واقعی رویداد» و «عناصر ذهنی و تخیلی سازنده»، یکی از گونه‌های پرمناقشه تولیدات تلویزیونی هستند و همواره مورد توجه جدی پژوهشگران رسانه قرار دارند. سازندگان مستندهای تلویزیونی، بخشی از واقعیت و رویدادهای تاریخی را با زبان تلویزیون مجدداً طرح‌ریزی کرده، جرح و تعدیل نموده و حتی برای آن داستان‌پردازی می‌کنند. سازندگان ضرورتاً مستند خود را از یک زاویه خاص دوربین و به صورت مجموعه‌ای از نماها عرضه می‌کنند. این گزارش به وسیله جلوه‌های صوتی یا موسیقی خاصی همراه می‌شود و شاید حتی به شیوه‌های خاصی به گفتار متن همراه باشد (باتلر، ۱۳۸۸: ۷۵). به همین دلیل جامعه‌شناسان رسانه معتقدند که ژورنالیسم اساساً تفسیری است (McNair, 2001: 51). آنچه در مطالعات رسانه برای ما اهمیت بیشتری دارد این است که «واقعیت» به خودی خود، تعبیر را عرضه نمی‌کند یا بر یک رویداد بیشتر از رویداد دیگر تکیه نمی‌کند. به بیان دقیق‌تر واقعیت «چندشکلی» است؛ و این واقعیت چندشکلی از عوامل گوناگونی اعم از فردی، اجتماعی و سازمانی متأثر است که بر فرآیند تولید محتوا در یک شبکه و سازمان رسانه‌ای اثرگذار است. برخی محققان به ابعاد ساختاری تولید مستند/خبر/گزارش و... مانند روال اداری^۱ و الزامات سازمانی^۲ توجه داشتند. از جمله عوامل جامعه‌شناختی موثر بر فرآیند تولید محتوا در یک سازمان رسانه‌ای می‌توان به جنسیت و نژاد در تحریریه (North, 2009; Tuchman, 2009; Ross & Carter, 2011; Van Zoonen, 1998; Reich, 2014; GMMP, 2010) به معنای ترکیب جنسیتی و نژادی افراد شاغل در تحریریه یک رسانه خبری، ایدئولوژی به مثابه «چارچوب‌های ذهنی از قبیل زبان‌ها، مفاهیم، مقوله‌ها، تصورات و سیستم‌های بازنمایی» (فرامرزیانی، ۱۳۹۶; Hall, 1996) مالکیت رسانه^۳ به معنای کنترل رسانه‌ها به عنوان عامل مهمی در تعیین ساختار نحوه کارکرد و تولید فرآورده‌های رسانه‌ای و نیز تولید فکر جامعه (ویلیامز، ۱۳۸۶)، منابع درآمد و تبلیغات^۴ رسانه‌ها (Herman & Chomsky, 1988)، منابع خبری^۵ به معنای منابع کسب خبر توسط رسانه‌ها مانند روابط عمومی دستگاه‌های دولتی و عمومی، گروه‌های فشار^۶ و فرادستان به معنای مداخله، «مواخذه»^۷ و واکنش‌های شدید و در اشکال مختلف گروه‌های صاحب قدرت

1. Bureaucratic Routines
2. Organizational Imperatives
3. Media Ownership
4. Advertising
5. Sourcing
6. Pressure Groups
7. Flak

و نفوذ نسبت به رسانه‌ها (همان)، اخلاق ژورنالیسم^۱ به معنای قوانین اخلاقی حرفه‌ای در تنظیم خبر (احدزاده، ۱۳۸۸؛ Himelboim, 2011; Bertrand, 2000) و سانسور^۲ و خودسانسوری^۳ (Bennett & Naim, 2015; Sturges, 2015) که با هدف کنترل و سرکوب رسانه‌ها اعمال می‌شود، اشاره کرد.

به دلیل همین توانایی تلویزیون در «تحریف» و «بازسازی جانبدارانه واقعیت» - که با ظهور فناوری‌های دیجیتال و پیشرفت‌های تکنولوژیک، تسهیل، حرفه‌ای و پیچیده‌تر شده است - منتقدان رسانه تمایل دارند با استفاده از استانداردهایی از جمله قابل اعتماد بودن، منصفانه بودن، مستقل بودن، متعهد به یک منطق عملیاتی از واقعیت و سرعت، داشتن مسئولیت اجتماعی و حساسیت اخلاقی، تولیدات تلویزیونی از جمله مستندها را محک بزنند (Deuze, 2005).

دفاع مقدس برای جمهوری اسلامی ایران تجربیات ارزشمند و غنی را به همراه داشت. از این رو این دستاورد به عنوان جدی‌ترین موفقیت گام اول انقلاب اسلامی تلقی می‌شود که تجربیات آن می‌تواند راهنما و سرمشق بسیاری از مشکلات در گام دوم انقلاب اسلامی باشد. به دلیل چنین ضرورت و ارزش استراتژیک است که دشمنان، رقبا و مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابل دستاورد دفاع مقدس، از سلاح تحریف استفاده می‌کنند. موضوعی که رهبری معظم انقلاب نیز در آئین گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس به آن اشاره کرده و فرمودند: «هر چه از زمان دفاع مقدس دورتر می‌شویم باید به معرفت آن نزدیک‌تر شویم چراکه دست‌های تحریف‌گر در کمین هستند»^۴. گفتمان، نوعی زبان یا نظام بازنمایی است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی بسط می‌یابد تا مجموعه‌ای از معانی را درباره حیطه موضوعی مهم، تولید و توزیع کند. این معانی در خدمت آن بخش از جامعه عمل می‌کند که گفتمان از درون آن سرچشمه گرفته است و از طریق عملکرد ایدئولوژیکی‌اش تلاش می‌کند آن معانی را به «عقل سلیم» مبدل سازد (معتدنازاد و مهدی‌زاده طالشی، ۱۳۸۶: ۴)؛ بنابراین مستندهای شبکه‌های فارسی‌زبان برساننده گفتمانی از جنگ تحمیلی هستند که از طریق برجسته‌سازی دال‌ها و مفصل‌بندی آن مبتنی بر ایدئولوژی‌شان، به دنبال ارائه روایتی هستند که آن را مرجع و قطعی نشان دهند و نظم گفتمانی موجود را زیرسوال برده و تلاش کنند معانی جدیدی بر دال‌های تشکیل‌دهنده گفتمان دفاع مقدس، حمل کنند. شبکه‌های فارسی‌زبان از طریق «تغییر در گفتمان» به دنبال ایجاد «تغییر در جهان اجتماعی» هستند. گسترش رسانه‌های فارسی‌زبان، تغییر سبب مصرف رسانه‌ای مخاطبان ایرانی، بهره‌گیری از امکانات فنی و فن‌های عملیات روانی، دسترسی به آرشیوهای پخش نشده، تغییر نسلی (جوانان جنگ ندیده) در کنار

1. Journalism Ethics
2. Censorship
3. Self-Censorship

۴. ارتباط تصویری با مراسم تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس؛ ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

تراکم اطلاعات و به تعبیر شهید آوینی «انفجار اطلاعات»، از جمله عواملی است که مطالعه مستندهای شبکه‌های ماهواره‌ای در خصوص هشت سال دفاع مقدس را ضروری می‌سازد در این مقاله نیز، گفتمان مسلط بر مستندهای تولید شده توسط شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان درباره جنگ تحمیلی هشت ساله، مورد جست‌وجو است تا از طریق شناسایی آن، چستی و چگونگی تحریف ۸ سال دفاع مقدس در شبکه‌های مذکور، فهم شود.

پیشینه پژوهش

محمدرضا تاجیک و جواد رمضان‌نژاد (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی درباره جنگ عراق با ایران (مطالعه موردی دو فیلم مستند)» نشان می‌دهد گفتمان رسانه‌ای تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، متمرکز بر نگاه ضدجنگ، بدون در نظر گرفتن شان دفاعی آن است. همچنین در این مستندها اعتقادات مذهبی مردم و به ویژه رهبر ایران یکی از عوامل اصلی آغاز و ادامه جنگ بازنمایی شده است.

سلطانی و تفرشی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان برنامه‌های تولیدی شبکه من و تو»، بیان داشته‌اند «مردم»، «تساهل و مدارا»، «تجربه‌های جدید»، «خوش‌گذرانی» و «فرهنگ و هنر» به‌عنوان دال‌های مرکزی گفتمان برنامه‌های این شبکه مورد شناسایی قرار گرفتند.

فرزانه نزاکتی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی انقلاب اسلامی ایران در تلویزیون ماهواره‌ای من و تو» به تحلیل گفتمان انتقادی مستند «از تهران تا قاهره» پرداخته است. تحلیل این مستند نشان داد که گفتمان شبکه «من و تو»، همان گفتمان سلطنت‌طلبان (پهلوی) و در تقابل با گفتمان نظام جمهوری اسلامی است. در گام اول این گفتمان، برای زیر سؤال بردن وجهه مردمی انقلاب اسلامی و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی و ایجاد نفرت در مخاطب تلاش می‌کند. در گام بعدی، هدف، تأیید و مشروعیت بخشی به رژیم پهلوی و ایجاد علاقه نسبت به آن است. در گام سوم، زمینه‌سازی و ایجاد آمادگی ذهنی نسبت به پذیرش دوباره حاکمیت پهلوی و ترسیم آینده‌های آرمانی، سرشار از آزادی، توسعه‌یافتگی، احترام و دوستی صورت می‌گیرد.

گل بخشی (۱۳۸۷)، در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل گفتمان خبری بی‌بی‌سی فارسی و رادیو فردا در مورد ماجرای بازداشت ملوانان انگلیسی در اروندرود»، نشان داده ایدئولوژی رسانه‌ای سایت‌های بی‌بی‌سی فارسی و رادیو فردا، در متون خبری بررسی شده، تضعیف و تخریب چهره ایران و بد وجهه کردن سپاه پاسداران در دفاع از مرزهای آبی ایران بوده است. غفاری‌قدیر و یآوری (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بازنمایی دوران دفاع مقدس (جنگ عراق و ایران) در سایت و شبکه بی‌بی‌سی فارسی» نشان می‌دهد دال‌هایی از جمله: آسیب‌های اقتصادی ثمره جنگ هشت ساله برای ایران، منجی‌سازی از آمریکا به عنوان ترسیم‌کننده

پیروزی یا شکست عراق و ایران در جنگ، مقصر نشان دادن ایران به عنوان آغازکننده جنگ هشت ساله، نظریه «صدور انقلاب» عامل تحریک عراق برای شروع جنگ با ایران و... بوده است. نوری‌زاده (۱۳۹۰)، طی مطالعه‌ای با عنوان «تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی و بازنمایی تحولات داخلی ایران در سال ۱۳۸۸»، بسیاری از رویکردها و جهت‌گیری رسانه‌ای این شبکه تلویزیونی در بازنمایی انقلاب اسلامی در سال ۸۸ به نحو شدیدتر و با سوءاستفاده از تحولات قبل و بعد انتخابات سال ۸۸ ایران، به نحو بارزی در مقایسه با دیگر رسانه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران شدیدتر شده است.

محسن گودرزی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بازنمایی ایدئولوژی انقلاب اسلامی در روزنامه واشنگتن پست» نتیجه گرفته کلیشه‌سازی، دو انگاری متضاد و انگ‌زنی ازجمله مهم‌ترین روش‌های استفاده شده توسط روزنامه واشنگتن پست در سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۰ میلادی به‌منظور بازنمایی ایدئولوژی انقلاب اسلامی بوده است. به اعتقاد محقق این رویکردها برآمده از گفتمان‌های «غرب و دیگران»، «شرق‌شناسی» و «اسلام‌رسانه‌ای» است.

ادبیات پژوهش

«بازنمایی تولید معنا از طریق چهارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. به این معنی که معنا از طریق نشانه‌ها به ویژه زبان تولید می‌شود» (بیچرانلو، ۱۳۹۱: ۷۴). زمانی که لفظ «تولید» به میان می‌آید، نشان‌گر وجود سازوکارها و روش‌هایی است که به واسطهٔ آن «معنا» تولید می‌شود؛ بنابراین معنا یک «تولیدکننده» و یک «مصرف‌کننده» دارد. به طور کلی همان‌طور که هال^۱ نیز اشاره داشته است، بستر و زمینهٔ اصلی این تولید معنا، همواره زبان بوده است. منظور از زبان، بستری است که انتقال معنا از طریق آن صورت گرفته و افراد توانایی آن را دارند که با استفاده از این زبان مشترک معنا را به یک‌دیگر منتقل کنند.

از سوی دیگر، افرادی که به یک زبان مشترک رسیده‌اند، با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصی‌ای که توانایی درک مسئله را برای آن‌ها فراهم می‌کند، روایت یا تفسیر متفاوتی از یک رویداد ارائه می‌دهند. به همین دلیل است که یک واقعهٔ واحد از سوی افراد مختلف به شکل‌های مختلفی بازنمایی و تفسیر می‌شود. توجه داشته باشید بحث در این‌جا از رویدادهاست و نه نشانه‌ها؛ زمانی که از رویدادی صحبت می‌کنیم منظور ما واقعیتی است که در جهان خارج و فارغ از ذهنیت فرد تفسیرگر در حال وقوع است اما زمانی که نشانه‌ها را در نظر می‌گیریم، این نشانه‌ها می‌توانند حامل معناهای متفاوتی برای هرکس باشند. گاهی این زبان برای هر فرد و برای بازنمایی رویدادهایی است که شخصاً آن‌ها را تجربه کرده است و یا توسط

رسانه‌ها برای واقعیت‌هایی که در جهان خارج وجود دارد و رسانه‌ها سعی در نمایش آن برای مخاطبان خود دارند. لذا در کل باید گفت واقعیاتی در جهان اطراف «وجود» دارد که رسانه‌ها با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارند، مانند زبان، تصویر، صدا و غیره سعی در ایجاد تأثیر و متعاقب آن حمل معنا به آن دارند.

یکی از راهبردهای بازنمایی، کلیشه‌سازی است. کلیشه‌سازی منجر به دسته‌بندی افراد و گروه‌ها در رسانه‌ها به وسیله «برچسب‌زنی» می‌شود و آن‌ها را در حد چند خصیصه یا ویژگی کلی تنزل می‌دهد (بیچرانلو، ۱۳۹۱).

راهبرد دوم بازنمایی، طبیعی‌سازی است. طبیعی‌سازی فرایندی است که در آن ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به صورتی عرضه می‌شوند که اموری طبیعی هستند. طبیعی‌سازی کارکردی ایدئولوژیک دارد و در آن گفتمان‌های طبیعی‌سازی به صورتی عمل می‌کنند که گویی نابرابری‌های اجتماعی، امری طبیعی بازنمایی شود (هال، ۱۳۸۶).

گفتمان آن چیزی است که به خدمت بازنمایی درآمده است. در واقع این گفتمان است که از طریق آن و به وسیله آن، بازنمایی صورت می‌گیرد. از طریق گفتمان است که جهان به مخاطبان رسانه‌های جمعی عرضه می‌شود و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (گودرزی و مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸). در کتاب «رسانه و عامه: آن‌ها و ما در گفتمان رسانه‌ای»، رسانه‌های ارتباط جمعی «ابزارهای گفتمانی» در نظر گرفته می‌شوند. این ابزارهای گفتمانی مسیری را فراهم می‌کنند تا به راحتی از ذهنی به ذهن دیگر حرکت کنیم. راهی که چارچوب‌های بازنمایی را برای طرح‌ریزی کاملاً منظم فراهم می‌کند (Coleman & Ross, 2010: 112). چارچوب‌های بازنمایی برآمده از سیاست‌های بازنمایی است که در آن‌ها به تجزیه و تحلیل کامل نقش جنسیت، طبقه، نژاد، قومیت، ملیت، علائق جنسی و مواردی از این قبیل پرداخته می‌شود (Durham, M. G & Kellner, 2006: 339).

گفتمان در اینجا، هسته مرکزی بازنمایی را تشکیل می‌دهد؛ در نظر داشتن بازنمایی، بدون سخن گفتن از گفتمان و صورت‌های گفتمانی، امری بی‌معنی است؛ به عبارت دیگر، گفتمان شیوه بحث کردن از چیزی یا بازنمایی آن است؛ از طریق گفتمان است که دانش تولید می‌شود و ادراک‌ها و کردارها شکل پیدا می‌کنند. گفتمان شبیه آن چیزی است که جامعه‌شناسان «ایدئولوژی» می‌نامند: مجموعه‌ای از گزاره‌ها و باورهایی که تولید دانش می‌کنند و این دانش در خدمت منافع گروه یا طبقه‌ای خاص قرار می‌گیرد (هال، ۱۳۸۶).

سیاست بازنمایی برآمده از گفتمانی است که در آن معنا تولید می‌شود. منظور از چهارچوب‌های مفهومی و گفتمانی، ساختارهایی هستند که معنا در قالب آن‌ها امکان ظهور و بروز دارد. در واقع معنا در قالب چهارچوب‌های گفتمانی است که بیان، درک و منتقل می‌شود. خارج از این چارچوب‌ها هر سخنی لاجرم یا اساساً درک نمی‌شود یا با مقاومت مخاطبان روبرو می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت بازنمایی مجموعه‌های نشانه‌ای (شامل زبانی، تصویری، صوتی

و غیره) است که در زمینه و بافت گفتمان‌های موجود در جامعه، معنا خلق کرده و تلاش خود را برای انتقال این معنا به مخاطب/ مخاطبان به کار می‌بندد؛ بنابراین می‌توان گفت بازنمایی‌های گوناگونی از جنگ تحمیلی ۸ ساله وجود دارد که رسانه‌ها بسته به ایدئولوژی‌ای که دارند و منافعی که از یک نوع بازنمایی به دست می‌آورند، از آن استفاده می‌کنند. معمولاً آن‌چه در بازنمایی به نمایش در می‌آید، منطبق با واقعیت نیست و این که چقدر بازنمایی قابل باور باشد، به رسانه‌ها، اعتماد مخاطبان به آن‌ها و سایر عوامل بستگی دارد.

«ارنستو لاکلاو و شانتال موفه» به عنوان اندیشمندان حوزه گفتمان، معتقدند گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه همین فرایند معنابخشی بر ساخته می‌شود و تغییر می‌کند. تغییر در گفتمان‌ها موجب تغییر در جهان اجتماعی است. گفتمان لاکلاو بسط نظریه گفتمان فوکو است که در آن به جای حکم از نشانه‌ها سخن گفته شده است (کسرای، ۱۳۸۹: ۳۴۱). در اینجا تمام قلمرو اجتماعی گفتمانی است و اساس تمایز زیربنا و روبنا فرو می‌ریزد. مهم‌ترین کارکرد نظریه گفتمان لاکلاو و موفه را باید در حوزه جامعه و سیاست به ویژه در مفهوم‌پردازی قدرت دید (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹). در نظریه لاکلاو و موفه عدم قطعیت معنا همان چیزی است که سیاست را هم ممکن و هم ضروری می‌سازد. سیاست عبارت است از نزاع معنایی که در طرح‌های سیاسی قبلی نسبتاً ثابت بوده‌اند و به کارگیری مجددشان در زندانی معانی جدید، تلاش برای ترغیب دیگران برای پذیرش اعتبارشان و تثبیت کردن آن‌ها در معانی نسبتاً قطعی که اینها در آن به بخشی از «دستور زبان» زندگی روزمره تبدیل می‌شوند. به علاوه اگرچه گفتمان در هریک از موارد بالا به طور قطعی نمی‌تواند تثبیت شود، اما موفقیتش به پذیرش اعتبار این معناها بستگی دارد. از نظر آن‌ها قدرت عبارت است از قدرت تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌کند و ترسیم مجدد مرزها، محدوده، وظایف و توانایی‌های دولت را می‌توان تنها نمونه‌ای از سیاست به این مفهوم تلقی کرد (Laclau & Mouffe; 1985). به همین دلیل است که روایت جنگ تحمیلی موضوع شبکه‌های فارسی‌زبان قرار گرفته است. اقدام آن‌ها برای ساخت مستند از جنگ ۸ ساله، در واقع تدارک یک نزاع گفتمانی، برای تشکیک در روایت‌ها و معانی تثبیت شده از جنگ، در حافظه جمعی ایرانیان است. آن‌ها به دنبال ایجاد معانی جدید برای دال‌های تثبیت‌شده و شناوری هستند که ذیل گفتمان دفاع مقدس مفصل‌بندی شدند.

روش پژوهش

روش به کار رفته در این پژوهش، روش تحقیق کیفی است. «روش تحقیق کیفی ارتباط خاصی با مطالعه روابط اجتماعی دارد و وام‌دار این واقعیت است که زیست‌جهان‌ها متکثر شده‌اند» (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۳). در این مقاله برای تحلیل گفتمان مستندها از روش

لاکلا و موفه استفاده می‌کنیم. آن‌ها روش تحلیل گفتمان انتقادی را کاربردی ساختند. به نظر لاکلا و موفه خلق معنا به مثابه یک فرایند اجتماعی شامل عمل تثبیت معناست. درواقع از طریق قراردادن مداوم نشانه‌ها در شبکه روابط نشانه‌های دیگر است که معنای نشانه‌ها تثبیت می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۷: ۷۵)؛ اما «تثبیت معنای نشانه‌ها محتمل و مشروط است» (Jorgensen & Philips, 2002: 25).

در این پژوهش مستندهای زیر مورد مطالعه و تحلیل گفتمان قرار گرفته است:

جدول ۱ شناسنامه و خلاصه مستندهای مورد بررسی

ردیف	نام مستند	شبکه تولید / پخش‌کننده	خلاصه مستند
۱	کودتای خزنده در سپاه	شبکه بی‌بی‌سی فارسی	در این مستند فایل صوتی جلسه برخی فرماندهان سپاه تهران با محسن رضایی که به انتقاد از عملکرد او و نحوه فرماندهی جنگ در سال ۶۳ می‌گذرد، مورد بررسی و بازخوانی قرار می‌گیرد. در این مستند صحبت‌های شهید حسن بهمنی به عنوان نماینده معترضین دربارهٔ عدم شایستگی و تخصص مدیران جنگ و ناکارآمدی سازوکارهای آنان مثل ستادها، محور قرار می‌گیرد.
۲	داستان دو سرباز	شبکه بی‌بی‌سی فارسی	روایتگر زندگی دو رزمنده ایرانی و عراقی که در جنگ اسیر می‌شوند و پس از آزادی به کانادا مهاجرت می‌کنند. رزمنده ایرانی زاهد و رزمندهٔ عراقی نجا نام دارد. در جریان عملیات بیت‌المقدس زاهد، نجا را از مرگ نجات داده و به ماشین انتقال اسرا می‌رساند؛ اما چند سال بعد در اواخر جنگ خودش به اسارت نیروهای عراقی در می‌آید. حالا پس از سالها این دو نفر یکدیگر را در مرکز روان‌درمانی آسیب‌های ناشی از جنگ ونکوور کانادا، «وُست» پیدا می‌کنند و به انتقاد از «صدام» و «امام خمینی (ره)» می‌پردازند که موجب از دست رفتن جوانی، سلامتی و خانواده‌شان شده‌اند.
۳	ماشین روز قیامت	شبکه بی‌بی‌سی فارسی	روایتگر زندگی روزمره جانبازان اعصاب و روان در آسایشگاه است. علاوه بر مصاحبه‌هایی که با جانبازان صورت می‌گیرد، برنامه روزانه آن‌ها در آسایشگاه مانند فعالیت‌های هنری، درمانی، تماشای تلویزیون، غذا خوردن، نماز خواندن و ... نشان داده می‌شود. جانبازان به شکل ناشیانه و بچه‌گانه‌ای در انجام امور (عمدتاً هنری) ضعیف هستند. در ارتباط با درمانگرشان نیز همین حالت بچه‌گانه دیده می‌شود و از نظر ظاهری نیز ترجمه برانگیزاند. آن‌ها ایدئولوژی و شعارهای حکومت را باور کرده‌اند و همچنان حاضر به جانفشانی در این راه هستند و چنین برداشت می‌شود که این باور در نتیجه عدم سلامت روانشان باشد.

۴	جام زهر	شبکه بی‌بی‌سی فارسی	این مستند درباره تصمیم مسئولین کشور از جمله هاشمی رفسنجانی، محسن رضایی و امام خمینی (ره) در نپذیرفتن آتش بس، پس از فتح خرمشهر است. به زعم این مستند ادامه جنگ تصمیمی نابخردانه بوده و تبعات سنگین و زیان‌باری برای کشور و ملت داشته است. این مستند با مرور وقایع تاریخی و مصاحبه‌های افرادی چون محسن رضایی، هاشمی رفسنجانی، حسین علایی و... دلایل نپذیرفتن آتش بس را پس از آزادی خرمشهر و نیز در بدو صدور قطعنامه ۵۹۸ در تیر ۶۶ از نظر مسئولان کشور مرور می‌کند و نتیجه آن را ۵ برابر شدن تعداد شهدای ایرانی و در اشغال ماندن بخشی از مناطق مرزی تا دو سال برمی‌شمرد.
۵	اولین خاکریز	شبکه ایران اینترنشنال	«اولین خاکریز» به مقایسه آبادانی خرمشهر قبل و بعد از جنگ می‌پردازد و بیان می‌کند بودجه‌هایی که برای بازسازی ویرانی‌های جنگ به این شهر اختصاص داده شده بوده هرگز در این راه خرج نشده و اساساً به خرمشهر نرسیده است.
۶	ایران کنترا	شبکه ایران اینترنشنال	مستند «ایران کنترا» بر مسئله خرید سلاح از دولت ریگان در طول جنگ و معامله پنهانی با مک فارلین، مشاور امنیت ملی امریکا، تمرکز دارد. روایت این مستند با توصیف امکانات نظامی ایران در نیمه جنگ آغاز می‌شود به این شکل که تجهیزات ایران تمام شده و چون میراث ارتش شاهنشاهی و عمدتاً امریکایی بوده، با رویکرد امریکاستیزی انقلابیون امکان تامین مجدد آن وجود ندارد.
۷	فاو	شبکه ایران اینترنشنال	مستند «فاو» به عملیات بازپس‌گیری فاو توسط عراق اشاره داشته و بیان می‌کند امام خمینی (ره) از این بابت از سپاه ناراضی بوده و تا پایان عمر حاضر به دیدار عمومی با آنان نشده است اما این نگاه منفی به سپاه و انزوای آن با روی کار آمدن آیت‌الله خامنه‌ای ۱۸۰ درجه تغییر می‌کند.
۸	کربلای ۵	شبکه ایران اینترنشنال	این مستند، عملیات کربلای ۵ را پرتلفات‌ترین عملیات طول جنگ و اقدامی نسنجیده و عجولانه از سوی محسن رضایی می‌داند و معتقد است ایران هرگز آمار صحیح تلفات خود در این عملیات را اعلام نکرده و این نشانه‌ای از مظلومیت قربانیان و فریبکاری مسئولین بویژه محسن رضایی و هاشمی رفسنجانی است.
۹	جنگ برای اروند ۱	شبکه من و تو	مستند جنگ برای اروند که در ۲ قسمت ۹۰ دقیقه‌ای تهیه شده است، مخاصمات ایران و عراق و عملکرد رهبران دو کشور را از زمان سقوط ملک فیصل دوم و سلسله پادشاهی در عراق تا وقوع جنگ ۸ ساله مرور می‌کند. در این مستند شاه فردی میهن‌دوست، مقتدر، دانا و با درایت توصیف شده و ایران زمان او کشوری باثبات و آباد که وقوع انقلاب امنیت و ثبات آن را بر هم می‌زند.
۱۰	جنگ برای اروند ۲		

مضامین و محورهای اصلی مستندهای مورد مطالعه را براساس میزان تکرار آن‌ها و تأکید صریح کارگردان استخراج خواهیم کرد. برای تشخیص دال اصلی چند معیار در نظر گرفته می‌شود. در این مورد، تکرار مساله مهمی است. دال یا نشانه‌ای که بیشتر مورد تأکید قرار گرفته‌است، طبعاً نقش مهم‌تری دارد. ممکن است تأکید مستندها روی یک دال یا نشانه، اصلی و مرکزی بودن آن را نشان دهد و حتی ممکن است هر مستند، دال اصلی یا مرکزی خود را صریح و آشکار بیان و گفتمان حاکم بر روایت خود را بر اساس آن مفصل‌بندی کرده باشد؛ اما نکته مهم این است که در تشخیص دال اصلی، معیار ما گفتمانی است. در این معنا باید میان دال مرکزی و وقته‌ها، انسجام و هماهنگی وجود داشته باشد. به آن نشانه‌ای دال مرکزی اطلاق می‌کنیم که دال‌های دیگر بر اساس آن تعریف شده باشند و میان آن‌ها رابطه‌ای شکل گرفته باشد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل گفتمان ۱۰ مستند مورد مطالعه در این مقاله، نشان می‌دهد وقته‌ها و عناصر اصلی به شرح زیر است:

۱. سواستفاده از احساسات مردم

در مستند «داستان دو سرباز» رهبران جمهوری اسلامی افراد جنگ‌طلبی توصیف می‌شوند که برای مقاصد و باورهای خود از جان ملت مایه می‌گذارند. اینجا برخلاف «کودتای خزنده» از شیوه مدیریت جنگ و فرماندهی انتقاد نمی‌شود، بلکه کلیت جنگ زیر سوال می‌رود. رهبر و سران نظام، جوانان و حتی نوجوانان را برای حضور در جبهه‌ها تشویق می‌کنند بدون آنکه اساساً دلیل موجهی برای جنگ وجود داشته باشد و پس از پایان جنگ وقتی که رزمندگان بازمانده به انواع مشکلات جسمی و روانی مبتلا گشته‌اند کسی جز غرب «انسان دوست» و «متمدن» نیست که به فریاد آن‌ها برسد. برای مثال در مستند «داستان دو سرباز»، راوی که به منزل «زاهد» رفته و آلبوم دوران حضور او در جنگ را می‌بیند جمله‌ای را از روی یکی از عکس‌ها می‌خواند: «ما جان خود را برای امر ولایت^۱ فدا کردیم پس چه باک که شما ما را فراموش کنید». در ابتدای برنامه نیز راوی در توصیف دیوار نوشته‌ها و پلاکاردهای شهر تهران می‌گوید: «پیام‌های تبلیغی رهبران جمهوری اسلامی جوانان نسل جدید را به شهادت تشویق می‌کند.» جملات دیگری با همین مضمون بارها در طول مستند بیان می‌شود در ادامه برخی نمونه‌ها ذکر می‌شود:

– «آیت الله خمینی جنگ را دفاع مقدس نامید و از جوانان خواست به جبهه بروند.»
– «خمینی جنگ را نعمتی خدادادی خواند و با تئوری موج انسانی، هزاران جوان ایرانی را برای

نوشیدن شربت شهادت تشویق به حضور در جبهه‌ها کرد.»

– «خمینی بر ادامه جنگ تا فتح کربلا اصرار کرد و جنگ بدون دستاوردی برای هر دو طرف ادامه پیدا کرد.»

– از زبان زاهد: «مشخص نشد ما برای چی جنگیدیم. گناه ما این بود که سرباز بودیم.» گذشته از این موارد فیلمساز معتقد است صدام با عقب‌نشینی و پذیرش آتش‌بس پس از آزادسازی خرمشهر در پی خاتمه جنگ بود اما امام خمینی (ره) مصرانه می‌خواست جنگ را ادامه دهد: «در بیشتر جبهه‌ها نیروهای عراق به پشت مرزهای وسیع دو کشور عقب رانده شدند. صدام حسین حاضر به قبول آتش‌بس شد اما آیت‌الله خمینی این جواب را برای او فرستاد: من به صدام میگم من یه راه برات سراغ دارم و اون راه انتحاره.»

مستند «ایران کنتر»، «سواستفاده از احساسات مردم» را در بستر دروغ‌گویی، پنهان‌کاری و فریب تصویر می‌کند. مضمون اصلی این مستند تأکید بر این گزاره است که مسئولین در ظاهر از دشمنی با امریکا و عزت و استقلال کشور سخن می‌گویند و با این شعارها، مردم و جوانان را تهییج می‌کنند اما در واقع نیازمند به امریکا هستند و به‌طور پنهانی با آن معامله می‌کنند و وقتی ماجرا فاش می‌شود نه تنها از ملت عذرخواهی نکرده بلکه فرد مظنون به برملا کردن حقیقت را به دار مجازات می‌آویزند.

در مستند «عملیات کربلای ۵» مضمون محوری تأکید بر «عدم برنامه‌ریزی»، «مدیریت غلط» و «تکیه بر احساسات ملی و مذهبی سربازان» است که در نتیجه آن، حداقل ۴۰ هزار نیروی ایرانی شهید می‌شوند. این مستند علاوه بر خطای مرگبار و گناه نابخشودنی، بر این گزاره تأکید می‌کند که مسئولین آمار تلفات را ۳۰ هزار نفر کمتر اعلام کرده و نیز اشاره‌ای به ۹۰۰ قربانی حمله شیمیایی در جاده آنتنی نکرده‌اند: «کربلای ۵ غواص دست بسته نداشت تا ابعاد تاریکش در اذهان عمومی روشن شود اما شاهدان زنده هستند ... شاید سالها بگذرد تا حقایق جنگ آنگونه که بوده آشکار شود.»

در مستند «ماشین روز قیامت» با نمایش درد و رنج جانبازان و بیان بلافاصله این جمله که «جمهوری اسلامی حمله عراق رو نعمت دانسته» نظام سیاسی ایران را به سواستفاده از احساسات رزمندگان و مردم برای پیش‌برد اهدافش متهم می‌کند و به نادیده گرفتن رنج جانبازان و مباح دانستن بلایی که بر سر آنها آمده متهم می‌کند.

۲. عدم شایستگی مسئولین جنگ و نظام

مضمون برجسته دیگری که در آثار مشاهده می‌شود عدم شایستگی مسئولین جنگ و نظام است. در مستند کودتای خرنده سوگیری (طرفداری) به سمت معترضین است و از جلسه آنان با محسن رضایی به عنوان یک اتفاق تاریخی خاص یاد می‌شود و نوار ضبط شده جلسه، سند

تاریخی بسیار مهمی معرفی می‌گردد. در این مستند، امام خمینی (ره) به دلیل «حمایت بی‌دلیل» از محسن رضایی و «بی‌تفاوتی» به انتقادات فرماندهان که ناتوان از دیدار با امام هستند و مهم‌تر از آن خائن شمردن و تهدید منتقدان؛ «بی‌انصاف» و «دور از دسترس» معرفی شده و محسن رضایی فرمانده مستبد و بی‌فکری که توانایی شنیدن نظر مخالف را ندارد.

این معانی بیشتر از زبان سپاهیان معترض بیان می‌شود به عبارت دیگر نحوه گزینش و چینش نقل‌قول‌های سپاهیان تقویت کننده این ایده است که ۱. مدیران جنگ نالایق بوده و تخصص و تعهد لازم برای این مسئولیت را نداشته‌اند. ۲. در حق دلسوزان واقعی جبهه‌ها ستم شده است و ۳. آزادی بیان و شایسته سالاری به هیچ وجه در اداره جنگ و کشور وجود ندارد. در ادامه برخی از نقل‌قول‌های موجود در این برنامه که بیانگر مضامین فوق است ذکر می‌شود:

حسن بهمنی (نماینده سپاهیان معترض در جلسه ۵ آذر):

- «فرمانده فراوونه. میاد میشینه تو قرارگاه توی (نامفهوم). چرا یه بار یکی یه اسلحه دستش نمی‌گیره بیاد توی جبهه. چرا هر کدوم اینها میرسن و کارایی هم ندارن بلد هم نیستن میان مسئولیت اصلی می‌گیرن.»

- «اصل قضیه اینه که برادر محسن رضایی قبل از انتصاب به عنوان فرمانده کل سپاه از مسائل نظامی اطلاع نداشتند بعد از انتصاب هم تو قرارگاه‌ها نشستند با دستیارانشون. بچه‌هایی هم که مثل حاج علی موحد، حاج احمد متوسلیان تو دل خون و آتش یاد گرفتند منزوی می‌شوند... اصل مشکل ما اینه که فرماندهی ما آنطور که باید و شاید نمی‌تواند کار کنه.»

- «تمام ستادهای ما در مملکت بیکار است. کن فیکونه. آقای مبلغ کجا آری جی زده؟ کجا جنگیده؟ کجا میدونه اصلاً تیر از سر تفنگ در میاد یا ته تفنگ... چرا هر کدوم اینها میرسن و کارایی هم ندارن بلد هم نیستن میان مسئولیت اصلی می‌گیرن و در نتیجه شما می‌بینید که ستاد اصلی سپاه از نظر کیفیت و قدرتش فاجعه آورده.»

- «وقتی عملیات شروع میشه نیروها همینطوری به امید خدا رها میشن و ما اصلاً در صحنه عملیات فرماندهی نداریم. وحدت فرماندهی نیست. تمرکز فرماندهی نیست. با تاکتیک‌های دشمن مقابله نمیشه. همین‌جوری یه مشت نیرو اون وسط ول میشن»

راوی:

- «معترضان معتقدند با توجه به عملکرد فرمانده کل و مدیران ارشد سپاه پاسداران پیروزی در جنگ ممکن نیست. آن‌ها دلمشغولی‌های سیاسی این مدیران رو از جمله موانع اصلی در مدیریت کارآمد جنگ می‌دانند.»

- «در پاسخ به انتقادات محسن رضایی شخص آیت الله خمینی رو طرف حساب منتقدان می‌دونه.»

محسن رضایی:

- «امام به ما تکلیف کرده^۱. چندبار هم خدمت امام رفتیم از شون خواستیم [که نباشیم] ولی امام محکم فرموده که من به شما میگم که بمانید.»

از متن نامه ۹۰ صفحه‌ای فرماندهان تیپ ۱۰ سیدالشهدا (که پس از شکست در عملیات خیبر خطاب به مدیران جنگ نوشته بودند و در این مستند به این بخش از نامه اشاره می‌شود):

- «با شعار اینکه توکل برای پیروزی کافی است شدیداً تدبیر و تعقل را از صحنه بیرون کرده‌اند.»

- «به دلیل اینکه جواب تبلیغات خارجی‌ان را می‌دهیم و برای حفظ روحیه مردم دروغ‌های بزرگی را در رده‌های مختلف اجرایی می‌گویند که نه تنها نتیجه عکس می‌دهد، بلکه مردم را گیج کرده و در ذهن آن‌ها سوال ایجاد می‌کند.»

- «هرچه سریع‌تر باید فرمانده و وزیر سپاه^۲ تعویض شوند زیرا خودشان دلیل اصلی ضعف‌ها و نارسایی‌ها هستند.»

راوی:

- «همت از محمدرضا دستواره می‌خواهد پیش اکبر هاشمی رفسنجانی و محسن رضایی بره و عملی نبودن دستورات مدیران جنگ رو توضیح بده ولی هاشمی رفسنجانی با تأکید بر اینکه هرچقدر هم کشته بدهند باید عملیات ادامه پیدا کند می‌گوید: اسلام را به خفت نیندازید. بلند شوید بروید توکل کنید ان شاءالله راه باز می‌شود.»

راوی، به نقل از نامه حسینعلی منتظری به آیت‌الله خمینی در مهر ۶۴:

- «اگر مرجعی قاطع برای بررسی خطاها و ضعف‌ها و تقصیرات منجر به شکست‌های پی در پی در دو سال اخیر در جبهه‌ها وجود داشت و برای جان هزاران جوان که مفت و در اثر بی‌احتیاطی‌ها از دست می‌روند ارزش قائل بودیم اوضاع جنگ و جبهه‌ها بهتر از حال بود.» همان‌طور که در نقل‌قول‌ها مشاهده می‌شود این مستند هرچند از زبان سپاهیان اما به صراحت بر «ناکارآمدی»، «عدم تخصص» و «نبود شایسته‌سالاری» در «مدیریت جنگ» دلالت می‌کند اما گذشته از این موارد، نوع نگاه مدیران و رهبران نظام که در بدنه سپاه و شاید حتی جامعه نفوذ کرده نیز نقد می‌شود و آن نگاهی است «منفعت‌طلبانه» و «در راستای منافع جناحی»، عاری از منطق و عقلانیت و پوشانده شده با «باورهای مذهبی نادرست و زیانبار». نقد این نوع نگاه در هم در نامه ۹۰ صفحه‌ای مشاهده می‌شود و هم در صحبت‌های سپاهیان معترض بویژه اکبر گنجی که معتقد به نفوذ یک جریان فکری منحط به سپاه هستند و از قول آیت‌الله منتظری آن را کودتای خرنده در سپاه می‌نامند. لازم به ذکر است که در بیان این مستند

۱. تأکید از مستند

۲. یعنی به ترتیب محسن رضایی و محسن رفیق‌دوست

آیت‌الله منتظری از اتهامات وارده به مدیران جنگ بری و حامی منتقدین است. در مستند «جنگ برای اروند» تفکرات و سیاست‌های امام خمینی (ره) اشتباه و عامل بروز و طولانی شدن جنگ معرفی می‌شود. هرچند قسمت اعظم زمان این برنامه به توصیف وقایع قبل از انقلاب و اقدامات شاه اختصاص دارد اما در پایان نوع برخورد امام خمینی (ره) با صدام، رویای او برای تشکیل امت اسلامی و صدور انقلاب و به تبع آن تحریک شیعیان عراق را در کنار بلند پروازی‌های صدام موجب شعله‌ور شدن آتش جنگ می‌داند و چنین می‌گوید: «رویای امت اسلامی روح‌الله خمینی و تلاش صدام برای رهبری جهان عرب سبب شکل‌گیری طولانی‌ترین جنگ کلاسیک قرن شد که حاصل آن چیزی جز صدها کشته، میلیون‌ها آواره و توقف روند توسعه در ایران و عراق نبود». این مستند به‌طور تلویحی عملکرد شاه و امام خمینی (ره) را در مقابله با خطر قدیمی یعنی عراق، مقایسه می‌کند و عامل اصلی بروز جنگ را در این تفاوت عملکرد می‌داند.

در مستند «کربلای ۵» تلفات سنگین این عملیات در نتیجه‌ی تصمیم اشتباه مدیران جنگ برای طراحی عجولانه عملیات معرفی می‌شود. در مستند «جام زهر» ورود به خاک عراق پس از فتح خرمشهر و به تبع آن طولانی شدن جنگ و از دست دادن نیروها و وارد آمدن خسارات سنگین به کشور از زبان محسن رضایی ناشی از بی‌تجربگی رهبران جنگ و نظام بیان می‌گردد.

۳. پنهان کاری و دروغ‌گویی

یکی از مضامین محوری و موکد آثار، کتمان حقایق جنگ از مردم است. در مستندهای «کودتای خزنده در سپاه»، «ایران کنترا» و «کربلای ۵» به‌طور صریح و مفصل به این مسئله پرداخته شده است. مستند کودتای خزنده نوار ضبط شده از جلسه فرماندهان سپاه با محسن رضایی را که در تاریخ ۵ آذر ۱۳۶۳ برگزار شده بوده موضوع قرار داده و به بسط و تحلیل آن پرداخته است. بی‌بی‌سی در این مستند معتقد است امکان و فرصت انتقاد از نحوه اداره جنگ برای فرماندهان سپاه وجود نداشته و اعتراض مسالمت‌آمیز آنان توسط محسن رضایی و مهم‌تر از آن امام خمینی (ره)، برچسب خیانت خورده و سرکوب می‌شود. در نتیجه این برخورد، فرماندهان دلسوز و کاربلدی که خود در دل جبهه‌ها حضور داشتند و از نزدیک با مسائل و مشکلات جنگ آشنا بودند از سمت خود استعفا داده و به عنوان بسیجی ساده و داوطلب در عملیات بعدی شرکت کرده و شهید می‌شوند.

این مستند با صدای محسن رضایی آغاز می‌شود که می‌گوید: «برادرانی که ضبطی چیزی همراهشون هست هم مسئولیت شرعی دارید هم مسئولیت قانونی دارید. مواظب باشید کسی نواری چیزی بیرون نبره». این جمله در پایان مستند نیز دوباره

تکرار می‌شود تا بر پنهان‌کاری نظام تأکید شود.

در این مستند جملات زیادی با مضمون پنهان‌کاری نظام سیاسی ایران را از زبان «راوی» مستند می‌شنویم:

«داستان سپاهیان معترض به فرماندهی جنگ تنها یکی از فصل‌های ناگفته‌اونه که نهادهای حکومتی ایران در طول ۳-۴ دهه گذشته به دقت از افکار عمومی مخفی نگه داشتند تا ترکیبی از سانسور رسمی و مرعوب کردن شاهدان غیر خودی از یک طرف و مرگ شاهدان دیگه و پا به سن گذاشتن بقیه اون‌ها از طرف دیگه به تدریج بسیاری از اطلاعات کلیدی جنگ رو از تاریخ معاصر ایران حذف کنه».

«با گذشت چند دهه از پایان جنگ نه تنها کماکان این سند تاریخی منتشر نشده بلکه چهره‌های حکومتی گویی با اطمینان از در دسترس نبودن اون تقریباً هرچه دوست داشتند را در مورد وقایع پاییز ۶۳ تعریف کردند».

«با گذشت چند دهه از جنگ ایران و عراق هنوز اطلاعات مرتبط با مقاطع مهمی از جنگ از آرشیو محرمانه خارج نشده است».

«در دهه‌های اخیر رسانه‌های حکومتی ایران روایت‌های پراکنده و به شدت تحریف شده‌ای را از آن جلسه تاریخی منتشر کردند. طبیعتاً از انتشار گزارش واقعی نشست هم در تمام این مدت جلوگیری شده. (موسیقی ملتهب)»

در مستند «ایران کنتر» هم شاهد مضمون پنهان‌کاری و فریب هستیم. موضوع این مستند خرید سلاح از دولت ریگان در جریان جنگ و پنهان نگاه داشتن این معامله از مردم است. در این مستند همچنین واکنش مسئولین ایران و امریکا به فاش شدن معامله با یکدیگر مقایسه می‌شود. نهادهای قانونی و نظارتی امریکا تخلف ریگان در فروش سلاح به ایران را سزاوار پیگیری و مجازات می‌دانند و خود ریگان نیز به اشتباهش اعتراف کرده و از مردم عذرخواهی می‌کند اما در مقابل نهادهای امنیتی ایران فرد مظنون به انتشار این خبر را اعدام می‌کنند:

«در ایران برای رفسنجانی و مذاکره کنندگان پنهانی با امریکا مجازاتی در کار نیست اما برای افشا کنندگان چرا. مهدی هاشمی برادر داماد ایت الله منتظری که مظنون به انتقال خبر به نشریه الشراع است اعدام می‌شود؛ اما در امریکا برعکس است. افشا کنندگان که رسانه‌های آزاد و نظام حقوقی مستقل است پیروزند و پنهان کاران مجازات می‌شوند».

مستند کربلای ۵ نیز به پنهان نگه داشتن آمار تلفات عملیات کربلای ۵ اشاره دارد. راوی تعداد شهدای ایرانی را از سوی محققان پنتاگون ۴۰ هزار نفر و به نقل از مقامات عراقی ۶۵ هزار نفر می‌داند درحالی‌که ایران این آمار را ۱۱ هزار نفر اعلام کرده است؛ سپس می‌گوید:

«شاید سال‌ها بگذرد تا حقایق جنگ آن گونه که بوده آشکار شود».

آنچه در این مستند مدنظر است نه فقط بالا و پایین شدن ارقام تلفات بلکه تأکید بر این گزاره

است که رهبران نظام اگر بالا ایستاده‌اند به این دلیل است که زیر پایشان کوهی از قربانیان قرار دارد. مدیران جنگ و نظام فاتحان دفاع از کشور نیستند بلکه با پنهان نگهداشتن فجایع جنگ تنها نقاب پیروزی زده‌اند این مدیران ضرورت صلح را درک نکرده و با بی‌خردی کشور و ملت را درگیر مصائب و آسیب‌های جبران‌ناپذیری کردند.

۴. تدبیر و خدمات محمدرضا پهلوی

یکی از مهم‌ترین مضامین مستندهای مورد مطالعه - به لحاظ مدت زمان پرداختن به یک مضمون و نیز کیفیت پرداخت - تدبیر و خدمات شاه به ایران است. «جنگ برای اروند» در دو قسمت ۹۰ دقیقه‌ای به تحولات سیاسی عراق و واکنش‌های شاه به آن می‌پردازد. می‌توان گفت این مستند با اطلاعات تاریخی گسترده، روایتی روان و گیرا و تصاویر آرشیوی متنوع و مرتبط به لحاظ فنی نسبت به سایر آثار از کیفیت بالاتری برخوردار است.

در این مستند بر درایت، تدبیر و میهن دوستی شاه تأکید می‌شود. او با هر تغییر و تحول سیاسی که در عراق رخ می‌دهد گامی در جهت افزایش قدرت سیاسی و نظامی ایران برمی‌دارد. در یک برهه از کردهای شمال عراق که علیه دولت مرکزی می‌جنگند حمایت می‌کند و در برهه‌ای دیگر با صدام پیمان صلح و همکاری امضا می‌کند تا ایران را از خطر عراق مصون بدارد، مالکیت ایران بر نیمی از اروند رود و نیز جزایر سه‌گانه را تثبیت کند و سرانجام موقعیت سروری ایران در خلیج فارس را حفظ نماید.

این مستند مدعی است شاه در رسیدن به اهدافش در مقابله با خطر عراق موفق بوده و همواره دست بالا را در این رویارویی داشته است؛ اما جغد شوم انقلاب اسلامی درست وقتی که ایران به لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی در موقعیت ممتازی بوده سر می‌رسد و بر شانه جزیره ثبات نشسته و آن را به دریایی طوفان زده و پر آشوب تبدیل می‌کند.

به بیان تلویحی این مستند، ارتش و تجهیزات نظامی کشور همه حاصل درایت و دلسوزی شاه بوده و اگر موفقیتی در جنگ نصیب نیروهای ایرانی شده بواسطه همین آینده‌نگری شاه و رابطه خوب او با امریکا بوده است. از این رو هر پیروزی‌ای در جنگ مدیون شاه است. این نکته در «ایران کنتر» هم به شکل کمرنگ‌تری به چشم می‌خورد. خرید تجهیزات نظامی از امریکا که توسط شاه صورت گرفته تنها برگ برنده ایران در مقابل عراق است.

۵. تأکید بر شکست‌ها و تلفات

مضمون «تأکید بر شکست‌ها و تلفات» در تمام آثار مورد مطالعه به چشم می‌خورد. تعدد و تکرار تصاویر اسرای ایرانی با دست‌های بسته در اردوگاه‌ها، پشت کامیون‌ها و به صف شده در مناطق عملیاتی محور مستندها است و سازندگان با استفاده گسترده از این نوع تصاویر سعی

در القای منحوس بودن جنگ، عدم موفقیت ایران و ترحم به حال رزمندگان دارند. گذشته از بازنمایی اسراء، بکارگیری تصاویر شهدا نیز همین کارکرد را داشته و حس تحقیر و اندوه را جایگزین عزت و افتخار می‌کند.

غیر از تصاویر، کلمات و روایت‌ها نیز در جهت برجسته سازی شکست‌ها و تلفات عمل می‌کنند. در جایی هم که پیروزی کاملاً مسلم و غیر قابل چشم پوشی است - مثل عملیات بیت المقدس - عدم استفاده صحیح از این موقعیت و سوزاندن فرصت مطرح می‌گردد. در «کودتای خزنده»، «جام زهر»، «فاو، داستان سقوط»، «اولین خاکریز» و «کربلای ۵» به‌طور مستقیم و مفصل و در «جنگ برای اروند»، «ایران کنترا» و «داستان دو سرباز» به‌طور جزئی به شکست‌های ایران مقابل عراق، ناتوانی از رسیدن به اهداف و تلفات و خسارات سنگین پرداخته می‌شود. مستند ماشین روز قیامت نیز که مستقلاً بر آسیب‌های روانی ناشی از جنگ تمرکز دارد.

۶. غرب خوب

عنوان «غرب خوب» برای توصیف و دسته‌بندی مجموعه مضامینی استفاده شده که در آن‌ها غرب و مشخصاً آمریکا و کانادا به شکلی مثبت بازنمایی شده‌اند. در این شیوه بازنمایی، جمهوری اسلامی در نقطه مقابل غرب یا به آن نیازمند است یا گذشته از ابعاد اقتصادی و نظامی به لحاظ اخلاقی و تمدنی نیز در «موقعیت فروتر» قرار دارد. به عنوان مثال مستند «ایران کنترا» به مقایسه نظام سیاسی، حقوقی، مطبوعاتی، امنیتی آمریکا و ایران می‌پردازد و امریکایی‌ها را «قانونمندتر»، نسبت به مردم «پاسخگوتر و صادق‌تر» و در مقابل مسئولین ایران را «فریبکار» نسبت به مردم و نظام سیاسی و مطبوعاتی را «بسته و خفقان‌آور» نشان می‌دهد. در مستند «ایران کنترا» نیاز ایران به آمریکا موضوع محوری است. روایت این مستند چنین آغاز می‌شود:

«جنگ که به نیمه می‌رسد تجهیزات ایران تمام می‌شود ... تجهیزاتی که میراث ارتش شاهنشاهی و عمده‌اش امریکایی است و با رویکرد امریکا ستیزی انقلابیون تامین مجدد آن سخت است.»

به بیان دیگر رویکرد امریکاستیزی انقلابیون علت ناتوانی در تامین تجهیزات و به تبع آن ضعف در جنگ شمرده می‌شود. این پیام مستند، چندان معنای ضمنی را برای القای آن به مخاطب دنبال می‌کند:

«اگر ایران با امریکا دشمنی نداشت می‌توانست به اهداف خود در جنگ برسد و تلفات کمتری بدهد.

«مرگ بر امریکای مسئولین شعاری بیش نیست و آن‌ها در واقع به امریکا نیاز دارند و اگر منافعشان ایجاب کند با او ارتباط خواهند داشت.

در مستند جنگ برای ارونند نیز شرایط ایران عصر پهلوی به گونه‌ای نمایش داده می‌شود که برای حفظ امنیتش ناگزیر از توسل به امریکا است. به عبارتی دیگر در مقابل بلندپروازی‌ها و شیطنت‌های صدام و قبل از آن دولت «عبدالکریم قاسم» بهترین اقدام ممکن، نزدیک شدن به امریکا است. کاری که شاه با درایت انجام داد و توانست از طریق آن خطر عراق را دفع کند اما جمهوری اسلامی با دشمنی با امریکا این فرصت را از دست داد و کشور را به کام جنگ کشاند. این مضمون در مستند جام زهر نیز وجود دارد البته در آن مستند مشخصاً به امریکا یا غرب اشاره نمی‌شود اما از زبان مسئولین عالیرتبه‌ای چون محسن رضایی، هاشمی رفسنجانی و حسین باقری بر عدم توانایی ایران در تامین تجهیزات لازم برای ادامه جنگ تأکید می‌شود. به نحوی که هاشمی رفسنجانی می‌گوید حتی برای تهیه بند پوتین سربازان نیز مشکل داشتیم. این مستند از طریق این عبارات می‌خواهد نشان دهد «نه شرقی نه غربی استقلال آزادی جمهوری اسلامی» شعاری بیش نیست و این نظام بدون کمک گرفتن از خارج قادر به برآوردن نیازهای ساده‌ای چون بند پوتین نیز نمی‌باشد.

در «داستان دو سرباز» بارها نمایی از پرچم کانادا در اهتزاز نشان داده می‌شود و به صراحت از زبان دو سرباز ایرانی و عراقی گفته می‌شود که زندگی در کانادا را دوست دارند و مهاجرت به کانادا حالشان را بهتر کرده است. در جریان این مستند که در طول ۱۱ سال فیلمبرداری شده همسر و فرزندش را هم به کانادا دعوت می‌کند تا آنچه را که خود نداشته، یعنی فرصت تحصیل و زندگی به فرزندانش بدهد. زندگی «زاهد» که در ایران از هم پاشیده در کانادا گرم و صمیمی می‌شود و خانواده‌ای که قادر به زندگی با او نبودند حالا از کنار او بودن لذت می‌برند. یکی از مکان‌های کلیدی در این مستند، موسسه خیریه «وُست» است که «زاهد» و «نجا» در آن یکدیگر را پیدا کرده اند و پس از آشنایی با این موسسه و استفاده از خدمات درمانی آن توانسته‌اند پس از سالها تحمل ترومای روحی جنگ به زندگی عادی برگردند. آنچه در تأکید مستند بر نقش مثبت این موسسه و تقابل دادن آن با روحیه جنگ‌طلبی رهبران ایران به ذهن مخاطب متبادر می‌شود نقش سیاه و سفید به ترتیب برای جمهوری اسلامی و غرب است.

۷. صلح‌طلبی و مخرب بودن جنگ

در مجموع مستندها بر انواع تخریب‌ها از جمله «تخریب روان»، «تخریب شهر»، «تخریب اقتصاد»، «تخریب عمر و جوانی» و... به عنوان محصول جنگ تأکید می‌شود و بر ضرورت «صلح‌طلبی» اشاره می‌شود و ایران را متهم به «تداوم جنگ» در دوران جنگ تحمیلی و در زمان حاضر متهم به «جنگ افروزی/جنگ‌طلبی» می‌کند. نمونه‌هایی از محتوای برنامه‌ها که حاوی این مضمون بوده‌اند اشاره می‌شود:

- «اولین خاکریز» به اوضاع اسفناک اقتصادی، عمرانی و اجتماعی خرمشهر و مقایسه آن با

شکوفایی و رفاه این شهر قبل از انقلاب می‌پردازد و مقصر این وضعیت را بی توجهی و قدرناشناسی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی و سیاست‌های کلان کشور از پایان جنگ تا کنون می‌داند. همانطور که معرفی این اثر نیز گفته شد نمایش خرابه‌های شهر، نخل‌های خشک، افراد بیکار و شکایات مصاحبه شوندگان بومی همه حکایت از مظلوم واقع شدن خرمشهر و مردمان آن دارد.

- در مستند کربلای ۵ یکی از رزمندگان که سابقه حضور در این عملیات را داشته چنین می‌گوید: ما باید مثل صلح حدیبیه دنبال صلح می‌بودیم کاری که عراق به درستی متوجه لزوم و اهمتش شد اما ما نه.

- آنچه در «داستان دو سرباز» مورد تأکید قرار می‌گیرد تبعات منفی جنگ بر زندگی انسان‌ها و ارزش صلح و دوستی است. در این مستند زاهد، رزمنده ایرانی و نجا، رزمنده عراقی جنگ را چون هیولایی می‌بیند که همه چیز زندگی‌شان را از آن‌ها گرفته است حتی انسانیت‌شان را. زاهد می‌گوید: «جنگ هیولاییه که می‌خواد همه رو مثل خودش هیولا کنه. منم داشتم هیولا می‌شدم و دیگه دلم واسه عراقی‌ها نمی‌سوخت... جنگ منو بیگانه کرد با اجتماع. وقتی بعد بیست سال بر می‌گردم پشت سرم رو نگاه می‌کنم می‌بینم چه بر من گذشت...» - در «ماشین روز قیامت» هم فیلمساز این ماشین را متافوری برای اصل مفهوم جنگ و تبعات آن می‌داند. تبعاتی که تا نسل‌های بعد باقی می‌ماند. او در پایان اظهار امیدواری می‌کند که هیچ جنگ دیگری در راه نباشد و نکبت آن دامن هیچ کسی را نگیرد. در این مستند همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد نگاه به جانبازان نگاهی توأم با ترحم و دلسوزی است.

۸. دیپلماسی در برابر جنگ‌طلبی

یکی دیگر از مضامین کلیدی مستندها اهمیت و ضرورت «دیپلماسی» و بیان ضعف جمهوری اسلامی در این حوزه است. در «جنگ برای اروند»، «جام زهر» و «ایران کنتر» مستقیماً به این مسئله پرداخته می‌شود. همان‌طور که درباره مقایسه عملکرد شاه و امام در بخش‌های قبل توضیح داده شد؛ در مستند جنگ برای اروند بیان می‌شود که شاه تهران را به یکی از مراکز مهم دیپلماسی دنیا تبدیل کرده و توانسته بود با گفتگو، هشیاری، سیاست‌ورزی و زیرکی حمایت‌های خارجی را جلب کرده و از دشمن دوست بسازد. معاهداتی که شاه با کشورهای منطقه ایجاد کرده بود نقش مهمی در امنیت و ثبات ایران داشت و در سایه این امنیت رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز شدت گرفته بود.

در این مستند سخنرانی شاه در اجلاس اوپک در الجزایر به‌طور کامل پخش می‌شود. شاه در این سخنرانی که به زبان فرانسوی ایراد می‌شود درباره اهمیت اتحاد کشورهای عضو سخن گفته و آمادگی ایران را برای اختصاص ۷ درصد از تولید ناخالص ملی و

نیز اعطای وام به کشورهای فقیر و به منظور رفع گرسنگی اعلام می‌کند او می‌گوید توصیه ما همیشه «گفتگو» است و برای پیروزی بر خطرات بزرگی که تمدن‌مان را تهدید می‌کند به این همکاری نیاز داریم.

این تفکر و سیاست شاه در مقابل رویکرد «جنگ جنگ تا پیروزی» امام خمینی (ره) قرار گرفته و با نمایش توسعه و آبادانی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و جنگ و ویرانی پس از انقلاب، قضاوت ظاهراً به مخاطب واگذار می‌شود.

گذشته از تأکید بر ضعف دیپلماسی ایران برای جلوگیری از جنگ، بر این ضعف در طول جنگ نیز تأکید می‌شود. در مستند «جام زهر»، از زبان مسئولینی چون هاشمی رفسنجانی، محسن رضایی و ... یکی از مهم‌ترین دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر گروگان‌گیری از عراق برای کسب امتیاز بیان می‌شود. منظور از گروگان‌گیری تصرف منطقه‌ای مهم از خاک عراق همچون بصره است که عراق حاضر باشد برای آزادسازی آن به ایران امتیاز بدهد امتیازی که احتمالاً باید غرامت جنگی یا چیزی مشابه آن باشد؛ اما اولاً ایران موفق به چنین تصرفی نمی‌شود و ثانیاً با اشغال فاو یا مناطقی از بصره نیز دیپلمات‌های ایرانی قادر به گرفتن امتیاز نیستند یا اساساً اراده و برنامه‌ای برای این منظور ندارند. این قصور دیپلماتیک که در مصاحبه علی شمخانی و حسین علایی با شبکه‌های تلویزیون ملی ایران بیان شده در این مستند ذکر می‌شود. به عنوان نمونه از زبان راوی می‌شنویم:

«علی خرم نماینده وقت ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل در اظهاراتی راجع به کم کاری دیپلمات‌ها می‌گوید در آن زمان مذاکرات دیپلماتیک برای پایان جنگ مرعوب شدن و بی‌غیرتی محسوب می‌شده. حال و هوای غالب در حکومت ایران ادامه جنگ تا پیروزی کامل است.»

در مستند «ایران کنتر» موضوع اصلی مذاکره با آمریکا برای خرید سلاح است اما در حاشیه این روایت به بی‌توجهی مذاکره‌کنندگان ایرانی به ورود فارلین به تهران به دلیل «خواب ماندن» اشاره می‌شود. این نکته هرچند از سوی خود مسئولان اذعان می‌شود اما انتخاب این خاطره از سوی فیلمساز در جهت تأکید او بر ناتوانی ایران در دیپلماسی است.

۹. تقدس‌زدایی از جنگ و نظام

یکی از دال‌های اصلی که از طریق «غیاب» برخی عناصر و کلمات در روایت مستندها قابل شناسایی است، «تقدس‌زدایی» از جنگ است. در طول این مستندها از تعبیری مانند «شهادت»، «ایمان»، «پاداش الهی»، «واقعۀ کربلا»، «ایثار» و... استفاده نمی‌شود و اصطلاحاً «غیاب» هستند و در مواقعی که نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد، هدف آن «تثبیت یک معنای جدید» به جای معنایی است که ایدئولوژی آن را به عقل سلیم مبدل کرده است؛ به عبارت

دیگر، مجموع این مستندها، مقدس ساختن جنگ را ابزاری برای سوءاستفاده از احساسات دینی و ملی مردم می‌دانند که در خدمت جنگ‌افروزی و قدرت‌طلبی مسئولان نظام قرار گرفته است. زیر سؤال بردن تصمیمات رهبر و مسئولان جنگ و نیز تلاش برای متهم کردن آنان به پنهان‌کاری، فریب و دروغ‌گویی، اقدام دیگر این مستندها برای تقدس‌زدایی از مسئولان جمهوری اسلامی به‌خصوص امام خمینی (ره) است.

اکنون پس از مرور تفصیلی و تفسیری مضامین و محورهای اصلی استخراج شده از مستندها و با تکیه بر نظریه گفتمان لاکلا و موفه می‌توانیم با توجه به مفصل‌بندی عناصر هشت گانه فوق بر محوریت دال مرکزی «ناکارآمدی نظام» از شکل‌گیری گفتمان «جنگ ایران و عراق» در مقابل گفتمان «دفاع مقدس» سخن بگوییم. نمودار زیر این گفتمان را به شکل خلاصه نشان می‌دهد.



شکل ۱. مفصل‌بندی گفتمان تحریف دفاع مقدس در مستندهای شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای

۱.۰. ناکارآمدی نظام (دال مرکزی)

بررسی گفتمانی مستندهای شبکه‌های فارسی‌زبان درباره جنگ تحمیلی نشان می‌دهد همه دال‌های پیرامونی برآمده و معنا یافته از دال مرکزی «ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی» است. این ناکارآمدی هم در سطح ایده / ایدئولوژی و هم در سطح عملیاتی / اجرایی قابل مشاهده است. در سطح ایده / ایدئولوژی، به جنگ‌طلبی، دیگری‌سازی، دشمن‌انگاری، سوءاستفاده از

احساسات دینی و ملی مردم، استفاده ابزاری از مفاهیم ایمان، شهادت، پاداش اخروی، به عنوان مبانی فکری اشاره می‌شود که نتیجه آن در سطح عملیاتی / اجرایی چیزی جز پنهان کاری، شکست در جنگ، تلفات انسانی، خسارات مادی و انزوای جهانی نبوده‌است.

بحث و نتیجه‌گیری

شبکه‌های فارسی زبان با جذب و طرد عامدانه برخی مفاهیم از گفتمان دفاع مقدس و مفصل‌بندی «عناصر» «تأکید بر شکست‌ها»، «پنهان کاری و دروغ‌گویی»، «نالایق بودن مسئولان جنگی»، «سواستفاده از احساسات مردم»، «تقدس‌زدایی از جنگ»، «تدبیر و خدمات محمدرضا پهلوی»، «غرب خوب»، «پرداختن به آسیب‌های جنگ» و «دیپلماسی در برابر جنگ‌طلبی» حول محور دال مرکزی «ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی، آن‌ها را به «وقته» تبدیل کرده و به گفتمان جدیدی از دفاع مقدس - که آن را «گفتمان تحریف» می‌نامیم - شکل داده‌اند.

عناصری که در این گفتمان طرد شده و به حوزه گفتمان‌گونی انتقال پیدا کرده اند، مفاهیم دفاع، ایثار، وطن دوستی، شجاعت، معنویت، عشق به خدا ائمه و امام خمینی (ره)، شهادت، ایمان و اعتقاد، استعداد و توانمندی در نبرد، وحدت و همدلی و ... است که در هیچ یک از آثار مشاهده شده نامی از آن‌ها برده نشده است و در مقابل عناصر جنگ (به جای دفاع) قربانی یا تلفات (به جای شهید و جانباز)، امام خمینی (ره) (به معنای جنگ طلب و هم‌شان و مشابه صدام)، شاه (به معنای دلسوز کشور و فرد با درایت)، صلح، گفتگو، فریب، دروغ، نقاب، ظلم، جنگ‌طلبی، عدم کفایت و ... استفاده شده و درون گفتمان «جنگ ایران و عراق» حول دال مرکزی که عبارتست از ناکارآمدی جمهوری اسلامی به هم پیوند خورده (مفصل‌بندی)، تبدیل به «وقته» شده و «گفتمان تحریف» را شکل داده‌اند.

در گفتمان دفاع مقدس، رزمندگان با شور و عشق و ایمان به جبهه رهسپار شده‌اند و شهادت و جانبازی در این مسیر را ادامه راه شهدای کربلا دانسته و به آن افتخار می‌کنند. آن‌ها که به شهادت رسیده‌اند رستگار شده و بازماندگان، دل‌تنگ آن روزها و یاران شهیدشان هستند اما در «گفتمان تحریف» رزمندگان بازمانده، درگیر انواع مشکلات روحی، جسمی، خانوادگی، اجتماعی و ... هستند و بر جوانی از دست رفته‌شان در سال‌های جنگ و اسارت افسوس می‌خورند. آن‌ها باوری به ارزش‌های منتسب به دفاع و جهاد ندارند و جنگ ۸ ساله را بازی سیاسی بر سر هیچ و پوچ می‌انگارند؛ به عبارت دیگر در این گفتمان از جهاد، شهادت، جانبازی و آزادی ارزش‌زدایی شده و افرادی که در جنگ شرکت کرده‌اند نه قهرمانانی شایسته تقدیر و تحسین بلکه قربانیانی بخت‌برگشته هستند که مورد سوءاستفاده و فریب قرار گرفته و سزاوار ترحم اند.

در گفتمان دفاع مقدس دال «ولایت» به مدلول تبعیت از امری الهی و مقدس، همراستا با ولایت ائمه ارجاع دارد اما در گفتمان جنگ ایران و عراق معنای ولایت در ارتباط با سایر دال‌ها تغییر کرده و به پیروی از هوای نفس فردی کم‌خرد و حالتی از فریب و پروپاگاندا نزدیک می‌شود. به این معنا که ولایت‌پذیری نه امری عاقلانه است و نه مقدس بلکه پوششی است بر فریب افکار عمومی و بسیج جوانان بی‌گناه در خدمت مقاصد بی‌ارزش از طریق روش‌هایی نسنجیده و نادرست.

در «گفتمان تحریف»، عامل تعیین‌کننده در معادلات جنگ و رابطه بین دو کشور تجهیزات نظامی - عمدتاً امریکایی - است. چه در طول جنگ و چه در سال‌های سلطنت محمدرضا پهلوی برتری تسلیحاتی در سایه اتحاد و دوستی با امریکا عامل سربلندی و موفقیت معرفی می‌شود و به نقش تیروی انسانی تنها در وجه سلبی آن اشاره می‌گردد. یعنی انتقاد از نحوه مدیریت جنگ توسط فرماندهان رده بالا. مواردی چون دلاوری، فداکاری، استعداد، تدبیر و ترفند فرماندهان و رزمندگان جایی در این گفتمان ندارند.

راهبردها و توصیه‌های راهبردی

باتوجه به دال‌های اصلی «گفتمان تحریف»، راهبردهایی برای حضور مؤثرتر دستگاه‌های فرهنگی، هنری، رسانه‌ای در عرصه نزاع گفتمانی حول موضوع دفاع مقدس ارائه می‌گردد:

۱. ضرورت رعایت «توازن» در روایت گفتمان دفاع مقدس

فرآیند «برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی» گفتمان دفاع مقدس آنگونه که باید و شاید؛ نباید با یکجانبه‌گرایی و نپرداختن به ضعف‌ها و خطاها، راه را برای «گفتمان تحریف» به گونه‌ای باز کند که با برملا کردن یک دروغ یا پنهان‌کاری، کلیت گفتمان دفاع مقدس زیر سوال برود. بیان خطاها، کم‌تجربگی‌ها و قصوراتی که در جنگ رخ داده از زبان رسانه‌های داخلی در کنار بیان موفقیت‌ها و پیروزی‌ها، در قالب یک «روایت متوازن»، رسانه‌های معاند را خلع سلاح می‌کند؛ اما اگر چنین مواردی مغفول بماند رسانه‌های معاند با برجسته کردن آن‌ها اساس اعتبار گفتمان دفاع مقدس را زیر سوال خواهند برد.

۲. استفاده از منابع جدید

باتوجه به اینکه رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی متمرکز بر «اعتبارزدایی» از مسئولان و فرماندهان ایران در دوران جنگ هستند، ضرورت دارد برای روایت جنگ تحمیلی از منابع متعدد و خارج از گفتمان رسمی، بهره گرفته شود.

۳. ضرورت توجه نگاه منطقی و عقلانی به جنگ در کنار رویکرد احساسی - حماسی
در تکمیل راهبرد روایت متوازن، برای پرداختن به وقایع دوران جنگ (به ویژه در تولیدات رسانه‌ای) باید رویکرد تبیینی - تحلیلی مدنظر قرار گیرد و در بررسی رویدادهای تاریخی به ریشه‌ها و ابعاد مختلف موضوع نگریسته و بصورت مستدل و مستند بیان شود.

۴. روایت متوازن از خدمات رفاهی به جنگ‌زدگان و بازسازی شهرها
باتوجه به اینکه بخشی از تمرکز مستندهای تولیدی در شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی، معطوف به عدم بازسازی و توسعه شهرهای جنگ‌زده و نیز بی‌توجهی به بازماندگان جنگ (جانبازان، خانواده‌های جنگ‌زده) است، ضرورت دارد روایت متوازی از خدمات رفاهی ارائه شده به جانبازان و خانواده‌های آن‌ها (به‌خصوص جانبازان بستری در آسایشگاه‌ها) و نیز اقدامات انجام‌شده در بازسازی شهرها ارائه گردد. منظور از روایت متوازن، لحاظ کاستی‌ها، کوتاهی‌ها و ضعف‌ها است.

۵. برجسته‌سازی دشمنی‌های غرب با ایران
یکی از مضامین اصلی گفتمان تحریف، ارائه تصویری مثبت از غرب است. پرداختن به نقش غرب در حمایت از صدام و جنگ فراگیر علیه ملت ایران با لحاظ مولفه بهره‌گیری از منابع جدید، می‌تواند دال اصلی گفتمان تحریف مبنی بر «غرب خوب» را، به حاشیه براند.

۶. تأکید بر اهمیت و نقش موثر نیروی انسانی در دفاع مقدس
در مستندهای تحلیل شده، پیروزی ایران در برهه‌های مختلف جنگ تحمیلی، تابعی از تجهیزات نظامی تصویر شده است و نقش مدیران، فرماندهان، تاکتیک‌ها، رشادتها و فداکاری‌ها به حاشیه رانده شده‌است. در شکست‌ها نیز ناتوانی ایران در تأمین تجهیزات نظامی و عدم شایستگی مسئولان جنگی برجسته شده است. این تناقض در فرآیند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی «گفتمان تحریف» درباره «نقش فرماندهان، طراحی عملیات‌ها و تاکتیک‌ها» باید مورد توجه قرار گیرد.

۷. توجه به ارزش و اهمیت صلح
در مجموع مستندهای تحلیل شده، رهبر و مسئولان جمهوری اسلامی افرادی تندرو و جنگ طلب تصویر شده‌اند که نه تنها اعتقادی به مذاکره و دیپلماسی ندارند بلکه فاقد توانایی و درایت لازم برای آن نیز هستند. برجسته‌سازی «چگونگی شروع جنگ تحمیلی و متجاوز بودن صدام»، «عملکرد غرب در قبال ایران و سایر کشورها»، «تأکید بر اینکه ایران شروع‌کننده هیچ جنگی نبوده» و «سخنرانی‌ها و مواضع ضدجنگ رهبران و مسئولان ایران» باید مورد توجه گفتمان دفاع مقدس قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- باتلر، جرمی جی (۱۳۸۸). **تلویزیون: شیوه‌های نقد و کاربردها**. ترجمه مهدی رحیمیان، تهران: دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۱). **بازنمایی ایران و اسلام در هالیوود**. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- تاجیک، محمدرضا و جواد رمضان‌نژاد (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان تلویزیون بی بی سی فارسی درباره جنگ عراق با ایران»، **فصلنامه رسانه**، شماره ۱: ۲۰-۵.
- سلطانی، سیدعلی اصغر و امیرعلی تفرشی (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان برنامه‌های تولیدی شبکه من و تو»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، شماره ۳: ۱۶۴-۱۲۵.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۷). **قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشر نی.
- غفاری‌قدیر، جلال و بهروز یابوری (۱۳۹۶). «بازنمایی دوران دفاع مقدس (جنگ عراق و ایران) در سایت و شبکه بی‌بی‌سی فارسی»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس**، شماره ۱: ۱۶۴-۱۳۳.
- فرامرزبانی، سعید؛ پروانه فرامرزبانی و بهنام رضا قلی‌زاده (۱۳۹۶). **گفتمان‌شناسی رسانه‌های خبری**. انتشارات سیمای شرق
- فلیک، اووه (۱۳۹۲). **درآمدی بر تحقیق کیفی**. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کسرابی، محمدسالار (۱۳۸۹). «نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم تبیین پدیده‌های سیاسی»، **نامه سیاست**، شماره ۳: ۳۶۰-۳۳۹.
- گلبخشی، حسن (۱۳۸۷). **تحلیل گفتمان اخبار بازداشت ملوانان انگلیسی در اروندرود در سایت‌های فارسی زبان بی‌بی‌سی و رادیوفردها**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صداوسیما، تهران.
- گودرزی، محسن و سیدمحمد مهدی‌زاده (۱۳۹۲). «بازنمایی ایدئولوژی انقلاب اسلامی در روزنامه واشنگتن پست: مطالعه سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۰ میلادی»، **فصلنامه رادیو و تلویزیون**، شماره ۲۰: ۴۲-۹.
- معمدنژاد، کاظم و محمد مهدی‌زاده طالبی (۱۳۸۶). «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۵.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، تحلیل و نقد آن»، **مجله معرفت فرهنگی** - اجتماعی، شماره ۲.
- نزاکی، فرزانه (۱۳۹۴). «بازنمایی انقلاب اسلامی ایران در تلویزیون ماهواره‌ای من و تو»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، شماره ۱۲ و ۱۳: ۱۱۸-۹۱.
- نوری‌زاده، جواد و حسن مجیدی (۱۳۹۰). «تلویزیون بی بی سی فارسی و بازنمایی تحولات داخلی ایران در سال ۱۳۸۸»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات** (نامه پژوهش فرهنگی سابق)، شماره ۱۵: ۲۳۳-۱۹۰.
- ویلیامز، کوین (۱۳۸۶). **درک تئوری رسانه**. ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: نشر ساقی.

- هال، استوارت (۱۳۸۶). **غرب و بقیه: گفتمان و قدرت**، ترجمه محمود متحد، تهران: آگه.
- Bennett, P., & Naim, M. (2015). **21st-century censorship**. (cover story). Columbia Journalism Review, 53(5), 22. Retrieved from http://www.cjr.org/cover_story/21st_century_censorship.php
- Bertrand, C. J. (2000). **Media ethics and accountability systems**. New Brunswick, NJ: Transaction
- Coleman, S. & Ross, K. (2010). **The Media and the Public: "Them" and "Us" in Media Discourse**. London: Wiley-Blackwell Publication.
- Deuze M. (2005) **What is journalism? Professional identity and ideology of journalists reconsidered**. Journalism 6(4): 443–465
- Durham, M. G & Kellner, D. M. (2006). **Media and cultural studies**. USA: Blackwell Publication.
- GMMP (Global Media Monitoring Project). 2010. "Who Makes the News?" **World Association for Christian Communication (WACC)**, Toronto, Canada & London, England, [Online] <http://www.whomakesthenews.org/>.
- Graber, Doris A & Johanna L. Dunaway (2018) **Mass Media and American Politics**. SAGE Publications
- Hall, Stuart. (2005). **Culture, Media, Language**. CCCS: Birmingham.
- Herman, E. S. , & Chomsky, N. (1988). **MANUFACTURING CONSENT: The Political Economy of the Mass Media**. New York: Pantheon Books
- Himmelboim, Itai and Yehiel Limor (2011). **Media Institutions, News Organizations, and the Journalistic Social Role Worldwide: A Cross-National and Cross-Organizational Study of Codes of Ethics**, Mass Communication & Society
- Jorgensen, m. and Philips, l. (2002). **Discourse analysis as theory and method**. London: sage
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). **Hegemony and socialist strategy: towards a radical democratic politics**. Lonaon: Verso.
- McNair, B. (2001) **News and Journalism in the UK**. New York: Routledge
- North, Louise. (2009). **Blokey' Newsroom Culture**. Media International Australia 132: 5–15.
- Reich, Z. & Hanitzsch, T. (2013) **'Determinants of Journalists' Professional**

Autonomy: Individual and National Level Factors Matter More than Organizational Ones', Mass Communication and Society 16(1): 133-156.

Ross, Karen, and Cynthia Carter. 2011. **Women and News: A Long and Winding Road**. Media, Culture & Society 33: 1148–1165.

Sturges, P. (2015). **Regulating the press: Ensuring responsibility, or road to censorship**. Retrieved from

http://www.beaconforfreedom.org/liste.html?tid=415&art_id=613

Tuchman, Gaye. (2009). **Media, Género, Nichos**. Revista Media & Jornalismo 15 (8): 15–24.

Van Zoonen, Liesbet. (1988). **Rethinking Women and the News**. European Journal of Communication.3 (1): 35–53.

Van Zoonen, Liesbet. (1998). **One of the Girls? The Changing Gender of Journalism**. In News Gender and Power, edited by Cynthia Carter, Gill Branston, and Stuart Allan, 33–46. London: Routledge.